

مواسات و دغدغه‌مندی از نظر قرآن و روایات با تأکید بر سیره امام حسین علیه السلام

فرح‌الله میرعرب*

اشاره

در اخلاق اسلامی، جامعه یک خانواده است که همه اعضای آن مراقب احوالات هم هستند و خود را در برابر مشکلات و نگرانی‌های اعضای جامعه مسئول می‌دانند. آنان غمخوار، همدرد و دغدغه‌مند یکدیگرند. در اخلاق اسلامی موضوعی با عنوان «مواسات» مورد سفارش و تأکید است که بیانگر همین احساس مسئولیت است.

مواسات از ریشه «أسو» و به معنای بخشیدن از مال خود و شریک کردن دیگران در داشته‌های خود است. مواسات از نظر مالی نیز در جایی است که شخص از کفاف (مورد نیاز) خود به کسی بیخشد و اگر از اضافه بر کفافش بدهد، مواسات نیست.^۱ از مجموع منابع لغوی و اخلاقی چنین استفاده می‌شود که انسان «مواسی» کسی است که با دیگران همدردی و همراهی دارد، خود را در رنج و غم دیگران شریک می‌داند، با مال و جان از آن‌ها دفاع می‌کند و میان خود و دیگران فرقی نمی‌گذارد؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله این حقیقت را چنین بیان کرده است: «أَتَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطِفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ وَاحِدٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحَمَى وَالسَّهْرِ»^۲؛ مؤمنان از نظر مهرورزی و عطوفت نسبت به یکدیگر مانند یک پیکرند که هرگاه عضوی از آن دچار دردی شود، سایر اعضا (از راه تب و بیداری و ناراحتی) همدردی خود را با آن عضو ابراز می‌دارند و به کمکش می‌شتابند». سعدی نیز بر اساس همین

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۹۹.

۲. محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۲۲۷.

سخن گرانبهای رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین سروده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
 که در آفرینش ز یک گوهرند
 چو عضوی به درد آورد روزگار
 دگر عضوها را نماند قرار
 تو کز محنت دیگران بی غمی
 نشاید که نامت نهند آدمی

این عمل ارزشمند همانند دیگر اعمال خیر باید برای رضای خدا انجام شود، در غیر این صورت ارزشی ندارد؛ چنانکه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از جدش رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ [سه چیز است]: مراعات انصاف با مردم از جانب خودت، مواسات با برادران در راه خدا و برای رضای او، یاد خدای عزوجل در همه احوالات». امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «مَنْ بَخَلَ بِمَعُونَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَالْقِيَامَ لَهُ فِي حَاجَتِهِ (الْأَبْثَلَى بِمَعُونَةٍ مَنْ يَأْتُمُّ عَلَيْهِ وَ لَا يُوجِزُ؛ کسی که در کمک کردن به برادر مسلمانش بخل ورزد و از اقدام در برآوردن حاجتش کوتاهی کند، ناچار می شود به کسی کمک کند که با همان کمک، علیه خود او رفتار زشت کند و در این راه هیچ اجر و پاداشی نیز نخواهد برد».

اقسام مواسات

مواسات را به چند دسته می توان تقسیم کرد؛ چنانکه امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه ۴۳ بقره «وَ اتُوا الزَّكَاةَ»، این دستور را برای مواسات و همدری با نیازمندان دانسته و فرموده است: «أَيُّ مِنَ الْمَالِ وَالْجَاهِ وَ قُوَّةِ الْبَدَنِ؛^۳ زکات را از مال و آبرو و نیروی بدنی پرداخت کنید».

۱. مواسات در مال

امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام در توضیح بیشتر و تبیین مصادیق مواسات در مال فرموده است: «فَمِنْ الْمَالِ مَوَاسَاةُ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ؛^۴ زکات مالی آن است که با برادران ایمانی خود در نیازشان مواسات کنید».

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۵.

۲. همان، ص ۳۶۶.

۳. امام حسن بن علی عسکری عَلَيْهِ السَّلَام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۳۶۴.

۴. سید هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۶۶.

۲. مواسات با آبرو و موقعیت اجتماعی

امام حسن عسکری علیه السلام در مورد مواسات با آبرو نیز فرموده است: «وَمِنَ الْجَاهِ إِضَالَتُهُمْ إِلَى مَا يَتَقَاعُونَ عَنْهُ لِيُضَعِفَهُمْ عَنْ حَوَائِجِهِمُ الْمُتَرَدِّدَةَ فِي صُدُورِهِمْ؛^۱ زکات از آبرو و مقام اجتماعی، آن است که آن برادران ایمانی به خاطر ضعفشان از رسیدن به خواسته‌هایشان محروم هستند». شخصی که دارای آبرو و موقعیت اجتماعی است، باید از آبرو و موقعیت خود مایه بگذارند و حاجات آنان را برآورده کنند.

۳. مواسات با نیروی بدنی

آن حضرت قسم سوم مواسات را در حمایت با قدرت بدنی از ضعیفان دانسته و فرموده است: «وَبِالْقُوَّةِ مَعُونَةٌ أَخِي لَكَ قَدْ سَقَطَ حِمَارُهُ أَوْ جَمَلُهُ فِي صَحْرَاءٍ أَوْ طَرِيقٍ، وَهُوَ يَسْتَعِينُ فَلَا يِعَاثُ تُعِينُهُ حَتَّى يَحْمِلَ عَلَيْهِ مَتَاعَهُ، وَ تُوَكِّبُهُ [عَلَيْهِ] وَ تُنْهَضُهُ حَتَّى تُلْحِقَهُ الْقَافِلَةَ؛^۲ زکات نیروی بدنی آن است که مؤمن به برادر ایمانی که توانایی خود را در حمل بارش (به عللی) از دست داده و یا از قافله بازمانده و ندا به فریادرسی بلند کرده است، کمک کند تا او را به مقصدش برساند». یکی از اقسام مواسات که از دیگر اقسام مهم‌تر است، مواسات با جان است که واقعه عاشورا عالی‌ترین نماد آن است و در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مواسات و دغدغه‌مندی نسبت به رنج دیگران در قرآن

از نظر قرآن مؤمنان همه با هم برادرند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...».^۳ خدای منان در تکمیل این رهنمود در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّغْلُومٌ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛^۴ نمازگزاران واقعی کسانی هستند که نیازمندان درخواست‌کننده و محرومانی که توان سؤال ندارند، از دارایی‌های آنان بهره و نصیبی دارند». بنابراین سیر کردن گرسنه و همراهی با نیازمندان بر هر انسان متمکنی واجب است. استاد آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: «حال اگر کسی به تنهایی از گرسنگی تهی دستی با خبر بود، بر او واجب عینی است و اگر دیگران نیز بدانند، بر همه واجب کفایی است».^۵

۱. امام حسن بن علی عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۳۶۵.

۲. همان.

۳. حجرات: ۱۰.

۴. معارج: ۲۴ و ۲۵.

۵. عبدالله جوادی آملی، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۶، ص ۱۷۷.

بر اساس این آموزه قرآنی، مؤمنان در دعای هنگام زوال روزهای ماه شعبان از خداوند توفیق «مواسات» طلب می‌نمایند و عرض می‌کنند: «وَ اَرْزُقْنِي مَوَاسَاةً مِّنْ قَتْرَتِ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ؛^۱ خدایا مرا توفیق مواسات با آنان که روزیشان را تنگ و اندک قرار داده‌ای، از روزی فراوانی که به من داده‌ای؛ عطا کن». از نظر قرآن حتی غیر مسلمان نیز باید مورد توجه مسلمان و نیازهایش مورد دغدغه آنان باشد. حکم قرآن در صحنه بین‌المللی این‌گونه است: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛^۲ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد». بنابراین نیکی کردن و دادن حق همه انسان‌ها، مورد تشویق قرآن است.

اهمیت مواسات و همدردی با نیازمندان در سیره امام حسین علیه السلام

از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام خدمتگزاری به افراد جامعه، حد و مرزی ندارد و فرد دین‌باور در تمام صحنه‌های زندگی می‌کوشد تا باری از دوش دیگران بردارد و خدمتی به بشر ارائه کند، حتی اگر فرد مخدوم هم‌کیش او نباشد؛ اگر چه که خدمت به اهل ایمان اهمیت ویژه‌ای دارد. امام حسین علیه السلام با تأکید بر این باور و حیانی فرموده است: «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ فَتَنَحَوَّلَ إِلَى غَيْرِكُمْ؛^۳ بدانید که نیازمندی‌های مردم به شما، از نعمت‌های الهی بر شماست. پس از این نعمت‌ها خسته نشوید که هر آینه به سوی دیگران سوق یابد». خاطر ناشاد را دلشاد کردن همت است باغ آفت دیده را آباد کردن همت است در زمان ناتوانی یاد یاران فخر نیست روز قدرت از ضعیفی یاد کردن همت است امام حسین بن علی علیه السلام درباره همدردی و همراهی با نیازمندان و تلاش برای رفع گرفتاری آنان معتقد بود:

«فَمَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَجَدَهُ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ عَدَاً - وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِالصَّنِيعَةِ إِلَى أَحِيهِ - كَافَأَهُ بِهَا فِي وَفْتِ حَاجَتِهِ - وَ صَرَفَ عَنْهُ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهُ - وَ

۱. محمد بن حسن طوسی، مصباح‌المتهجد و سلاح‌المتعبد، ج ۲، ص ۸۲۹

۲. ممتحنه: ۸.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷.

مواسات و دغدغه‌مندی از نظر قرآن و روایات با تأکید بر سیره امام حسین علیه السلام ■ ۵۹

مَنْ نَفْسٍ كُذِّبَتْهُ مُؤْمِنٍ - فَسَرَّحَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۱ هر کس برای نیکی [و خدمت‌رسانی] به برادر خود بشتابد، فردا نتیجه آن را خواهد دید و کسی که برای خدا به برادر دینی خود یاری نماید، خداوند او را به هنگام نیازمندی یاری خواهد کرد و بیشتر از آن، او را از بلاها و گرفتاری‌ها دور خواهد ساخت و آن کسی که اندوه و غم را از دل مؤمنی بر طرف نماید، خداوند متعال غم و غصه‌های دنیا و آخرت [او] را برطرف خواهد کرد.

بر همین اساس امام علیه السلام در مواسات با دردمندان و بیچارگان کوتاهی نمی‌کرد. در ادامه به بررسی چند نمونه می‌پردازیم.

۱. سیره امام حسین علیه السلام در همدردی با محرومان و یتیمان

امام حسین علیه السلام همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پدر و برادرش علیه السلام، دغدغه رفع نیاز بیچارگان را داشت. آن امام حق علیه السلام منتظر نمی‌ماند تا یتیمی به او مراجعه نماید و نیازهایش را بازگو کند؛ بلکه پیشقدم می‌شد و به طور ناشناس و در دل شب‌های تاریک به رفع مشکلات یتیمان، بیوه‌زنان و محرومان جامعه می‌پرداخت. «شُعَيْبُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ خُزَاعِيٌّ» نقل می‌کند:

بعد از واقعه عاشورا، مردان قبیله بنی‌اسد - هنگامی که خواستند جسد مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام را دفن کنند - بر دوش آن حضرت، اثر زخمی یافتند که کاملاً از جراحت‌های جنگی متفاوت بود. زخم کهنه‌ای بود که هیچ شباهتی به زخم‌های روز عاشورا نداشت. از امام سجاد علیه السلام پرسیدند این زخم‌ها به چه دلیل است؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «هَذَا مِمَّا كَانَ يَنْقُلُ الْجُرَابَ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَالْأَيْتَامِ وَالْمَسَاكِينِ؛^۲ این زخم بر اثر حمل کیسه‌های غذا و به دوش کشیدن هیزم به خانه‌های بیوه‌زنان و یتیمان و بیچارگان است».

شهریاری که به شب برقع‌پوش می‌کشید بار گدایان بر دوش
ناشناسی که به تاریکی شب می‌برد نان یتیمان عرب

۲. سیره امام حسین علیه السلام در مواسات با آبرو

امام حسین علیه السلام برای رفع مشکلات دیگران، از آبرو و موقعیت اجتماعی خود دریغ نمی‌کرد. نقل است آن حضرت نشسته بود که فرد نیازمندی به آن بزرگوار مراجعه کرد و اظهار داشت: ای پسر رسول خدا به دادم برس! فلان شخص از من طلبکار است و می‌خواهد مرا زندانی کند. امام

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

حسین علیه السلام فرمود: «وَاللَّهِ مَا عِنْدِي مَالٌ أَقْضِي عَنْكَ؛ به خدا قسم! الان هیچ پولی ندارم که بدهی تو را پرداخت کنم». مرد بدهکار گفت: پس لااقل با او گفتگو کن، شاید نظرش عوض شود. امام علیه السلام فرمود: «من هیچ‌گونه آشنایی با طلبکار تو ندارم، اما از پدرم امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می‌گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ؛^۱ هر کس در راه حل مشکل برادر ایمانی خود تلاش نماید، چنان است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده است؛ در حالی که روزها را روزه گرفته و شب‌ها را به عبادت گذرانیده باشد». بر اساس این رهنمود، حضرت هر گونه تلاش برای رفع مشکل آن نیازمند را بر خود لازم می‌دانست.

۳. سیره امام حسین علیه السلام در مواسات با بیماران نیازمند

درد بیماران نیازمند را درد خود دانستن، از بهترین نوع همدردی و همراهی با آنان است. حضرت سیدالشهدا علیه السلام با رفتن به ملاقات بیماران افزون بر دلجویی و تسکین آلام روحی و جسمی بیماران و دردمندان، به مشکلات مادی و اقتصادی آنان نیز رسیدگی می‌کرد؛ چرا که بیماران فقیر و مستمند بیش از آنکه در اندیشه سلامتی خود باشند، از فقر و بدهکاری رنج می‌برند. این شهر آشوب نقل کرده است:

«روزی امام حسین علیه السلام به ملاقات بیماری بدهکار به نام اسامه رفت. او در بستر بیماری آه و زاری می‌کرد و مکرر می‌گفت: ای وای از دست غم و اندوه! حضرت از او پرسید: «چه اندوهی داری؟» اسامه گفت: بدهکارم و غم و غصه شصت هزار درهم قرض، تمام وجودم را فرا گرفته است. امام حسین علیه السلام فرمود: «ناراحت نباش! من بدهی‌های تو را پرداخت می‌کنم». اسامه گفت: می‌ترسم قبل از پرداخت بدهی‌هایم بمیرم. امام علیه السلام فرمود: «من تمام بدهی‌هایت را قبل از مرگت می‌پردازم» و هم‌چنانکه وعده داده بود، قبل از مرگ اسامه تمام قرض‌های وی را پرداخت.^۲

مواسات با جان در واقعه کربلا

مهم‌ترین و سخت‌ترین نوع مواسات و همراهی با گرفتاران، مواسات با جان است. در شب

۱. همان، ج ۷۱، ص ۳۱۵.

۲. محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۲۲۱.

عاشورا حضرت سیدالشهدا علیه السلام پس از آنکه مطمئن شد گروه باقیمانده بر یاری او مصمم هستند، فرمود: «مَنْ وَاسَانَا بِنَفْسِهِ كَانَ مَعَنَا عَدُوًّا فِي الْجَنَانِ نَجِيًّا مِنْ غَضَبِ الرَّحْمَانِ»^۱ و جان‌هایی را که برای حمایت از عقیده‌اش نیازمند بود و یاران باقیمانده را «مواسات‌کننده با جان» خطاب کرد. همراهی تا پای جان در کربلا جلوه‌های زیبایی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

وقتی حر بن یزید ریاحی توبه کرد، نزد امام علیه السلام آمد تا جان خود را فدای امام علیه السلام کند: «مُوَاسِيًّا لَكَ بِنَفْسِي». او ادعای خود را در عمل ثابت کرد و هنگامی که امام حسین علیه السلام به بالینش رسید، سر او را به دامن گرفت و حریت او را ستود و با اشعاری مقام مواسات او را تأیید کرد:

وَ نِعْمَ الْحُرُّ إِذْ نَادَى حُسَيْنًا
وَ جَادَ بِنَفْسِهِ عِنْدَ الصَّبَاحِ^۲

اوج این مواسات را حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام از خود نشان داد. او با لب تشنه وارد فرات شد و بی آنکه آب بنوشد، بیرون آمد. آن حضرت که برای سیراب کردن کودکان امام علیه السلام و تشنگان حرم به شریعه فرات رفت، درین راه به شهادت رسید. آن حضرت فدایی برادر خود بود تا آنجا که از این خصلت برجسته و جوانمردانه، در زیارتنامه ایشان چنین یاد شده است: «فَلَنِعْمَ الْإِخُ الْمُوَاسِي»، «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَ الصَّدِيقُ الْمُوَاسِي أَشْهَدُ أَنَّكَ آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ نَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ وَ وَاسَيْتَ بِنَفْسِكَ».^۳ این تعابیر شهادت به این است که او به راه خدا و مواسات با جان از امام مظلوم در آن صحرای غربت حمایت کرده است.

هنگامی که نافع بن هلال در کربلا دسترسی به آب پیدا کرد، به خاطر تشنگی امام حسین علیه السلام و اصحاب او حتی یک قطره نیز آب ننوشید.^۴ عابس بن ابی شیبب نیز در کربلا خطاب به سیدالشهدا علیه السلام گفت: «اگر می‌توانستم به چیزی عزیزتر از خون و جانم از تو دفاع می‌کردم تا کشته نشوی، آن کار را می‌کردم».^۵

هنگامی که امام سجاد علیه السلام در کوفه سخنان پرشوری علیه ستم ابن‌زیاد ایراد فرمود، عبیدالله بن زیاد دستور داد تا او را بکشند، اما حضرت زینب علیه السلام جان خود را سپر بلا کرد و جلاد را به خدا

۱. گروهی از محققان، موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۴۸۳.

۲. محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۰۱؛ معهد باقرالعلوم، موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۴۳۸.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۵۵.

۴. لوط بن یحیی ابومخنف کوفی، وقعه الطف، ص ۱۳۵.

۵. همان، ص ۱۹۵.

سوگند داد: «اگر می‌خواهی او را بکشی، اول مرا به قتل برسان». ^۱ همچنین هنگامی که امام حسین علیه السلام به یاران بنی اسدی خود فرمود: «خانواده من اسیر خواهند شد. شما زنان خود را به میان قبیله خود ببرید»، یکی از آنان خواست همسر خود را ببرد؛ اما همسرش حاضر نشد و به شوهر خود گفت: «درباره ما انصاف نکردی! آیا دختران رسول خدا اسیر شوند و من آسوده و بی‌خطر بمانم؟ شما اگر نسبت به مردان مواسات دارید، ما هم نسبت به زنان مواسات می‌کنیم». آن مرد گریان نزد امام علیه السلام آمد و گفت که همسرم نیز می‌خواهد مواسات کند و امام علیه السلام دعایش کرد... پس از شهادت بیشتر یاران، هنگامی که دو نفر از جوانان غفاری دیدند قدرت دفاع از جان امام علیه السلام و جلوگیری از کشته شدن او را ندارند، خدمت امام علیه السلام آمدند و اذن گرفتند که پیش از او به میدان روند و شهید شوند. امام علیه السلام به آن دو فرمود: «خدا بهترین پاداش نیک به شما دهد که این‌گونه حاضر به یاری و مواسات من و آماده فدا کردن جانید». ^۲

آثار مواسات

مواسات آثار بسیار مهمی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. رفع اندوه در دنیا و آخرت

حضرت سیدالشهدا علیه السلام به دغدغه‌مندان درد و رنج مردم چنین نوید داده است: «مَنْ نَفَسَ كُوزَةَ مُؤْمِنٍ، فَرَجَّ اللَّهُ عَنْهُ كُزْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ ^۳ هر کس اندوهی را از دل یکی از اهل ایمان بزدايد، خداوند متعال غصه‌های دنیا و آخرت او را از میان می‌دارد [و مشکلاتش را حل خواهد کرد]».

۲. نزدیکی به خدا

امام صادق علیه السلام نیز مواسات و همدردی واقعی با برادران دینی را وسیله تقرب و نزدیکی به خدا دانسته و فرموده است: «تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمُوَسَاوَةِ إِخْوَانِكُمْ». ^۴

۳. بهشت همراه با غفران و رضوان الهی

امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ...»، احسان به مساکین را مواسات با آن‌ها دانسته و فرموده است: «فَهُوَ مَنْ سَكَّنَ

۱. همان، ص ۲۷۴.

۲. گروهی از محققان، موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۴۰۹.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۲.

۴. محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۸.

مواسات و دغدغه‌مندی از نظر قرآن و روایات با تأکید بر سیره امام حسین علیه السلام ■ ۶۳

الضُّرُّ وَالْفَقْرُ حَرَكَتُهُ إِلَّا فَمَنْ وَاسَّاهُمْ بِحَوَاشِي مَالِهِ، وَسَعَّ اللَّهُ عَلَيْهِ جَنَانَهُ، وَأَنَالَهُ غُفْرَانَهُ وَرِضْوَانَهُ؛^۱ مسکین کسی است که مشکلات و نداری او را از حرکت متوقف کند. آگاه باشید هر کسی با این مساکین در حد توانایی مالی که دارد، مواسات و همدردی کند، خدا بهشتش را بر وی وسعت می‌دهد و او را از آمرزش و رضامندی‌اش برخوردار می‌کند.

۴. افزایش روزی

امیرالمومنین علی علیه السلام مواسات با برادر دینی را موجب افزایش رزق و روزی دانسته و فرموده است: «مَوَاسَاةُ الْأَخِّ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ».^۲

۵. همراهی با سیدالشهدا علیهم السلام در بهشت

اگر مواسات و همدلی از حد مال گذشت و کسی همانند امام حسین علیه السلام دغدغه دین و دنیای مردم را داشت و جانش را همانند شهدای دفاع مقدس و مدافعان حرم اهل بیت علیهم السلام در این راه فدا کرد، همراه الگوی خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام در بهشت خواهد بود. در شبی از شب‌های محرم امام حسین علیه السلام در جمع یاران خویش فرمود: «مَنْ وَاسَّانَا بِنَفْسِهِ كَانَ مَعَنَا عَدَاً فِي الْجَنَّةِ نَجِيًّا مِنْ غَضَبِ الرَّحْمَانِ»^۳ هر کس با ما با جانش مواسات داشته باشد، فردای قیامت در بهشت با ما خواهد بود و از خشم الهی خواهد رست». مواسات آثار دیگری نیز همچون اجابت دعا^۴ دارد.

فهرست منابع

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نجف اشرف: مطبعه حیدریه، ۱۳۷۶ق.
۲. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعه الطف، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۷ق.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.

۱. امام حسن بن علی عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۳۴۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۹۵، ح ۲۲.

۳. گروهی از محققان، موسوعة کلمات الامام الحسن علیه السلام، ص ۴۸۳.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶، ح ۲۳.

۴. امام حسن بن علی عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۵. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تصحیح قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثة، چاپ اول، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ش.
۶. جوادى آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم: مؤسسه اسرا، ۱۳۸۹ق.
۷. صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۸. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدجد و سلاح المتعبد، چاپ اول، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دارالعلم للجمع، بی تا.
۱۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۱۲. گروهی از محققان، موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، قم: دارالمعروف للطباعه و النشر، ۱۴۱۶ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.